

اربعین حسینی

عامل حماسه بی نظیر



محمد تقی صرفی پور



## مقدمه

بعد حمد و شکر الهی و سلام و درود فراوان بر محمد مصطفی(ص) و اهل بیت طاهرینش.

تنها امامی که اربعین دارد امام حسین علیه السلام است. و زیارت اربعین یکی از علامتهای مومن ذکر شده است.

همانطور که عاشورا باعث احیاء دین شد اربعین هم در این سالها باعث احیاء و تداوم دین اسلام شده است.

زنان و مردان، پیران و جوانان و کودکانی از عراق، ایران، نیجریه، هند، پاکستان، افغانستان، ترکیه، جمهوری آذربایجان، کویت، لبنان، برخی کشورهای اروپایی و خلاصه جمعیتی پرشمار از حدود ۸۰ کشور دنیا طبق آمارهای رسمی گردهم آمدند.

شکوه این حماسه بی نظیر آن قدر عظیم و رفیع است که هرگز نمی توان مشابهی در عالم برای مقایسه با آن پیدا کرد. به عنوان نمونه کافی است

بدانیم رژیم سعودی با وجود تجربه ده‌ها ساله در برگزاری مناسک حج هنوز قادر نیست از پس میزبانی ۳ میلیون زائر بریاید و هر ساله با انواع و اقسام بهانه‌ها به دنبال کاهش تعداد حجاج است نظیر بهانه‌ای که امسال علم کرد و میلیون‌ها چشم انتظار بیت‌الله‌الحرام را به جرم اینکه سنشان بالای ۶۵ سال است از رفتن به حج محروم کرد! اما در پیاده‌روی اربعین سن و سال معنا ندارد پیرمرد ۸۰-۹۰- ساله در کنار کودک ۴-۳ ساله یا حسین‌گویان به سمت حرم ارباب بی‌کفن طی طریق می‌کنند و رسم عاشقی را به جهانیان می‌آموزند.

واین معنای روایت نبوی است که در شهادت امام حسین علیه السلام حرارتی در قلبهای مومنین است که هرگز سرد نخواهد شد.

اما برای اینکه از اربعین حسینی بتوانیم بهترین بهره‌ها را ببریم لازم است به نکاتی توجه کنیم که در این کتاب به بعضی از نکات اربعین اشاره شده است.

اللهم ارزقنی شفاعه الحسین يوم الورود و....

تابستان 1403 مصادف با اربعین حسینی. کرمانشاه

بسم الله الرحمن الرحيم

اربعین

ان الحسین مصباح الهدی و سفینه النجات

ایام اربعین حسینی است. نزدیک به هزار و چهارصد سال است که از  
شهادت امام حسین علیه السلام و یاران باوفایش می گذرد. اما هنوز این  
مصیبت عظیم تازه است.

یک نفر خاور شناس که صد سال قبل به ایران سفر کرده می گوید یکی  
از ویژگیهای مردم ایران آنست که طوری برای امام حسین علیه السلام  
عزاداری می کنند گویا امام حسین همین دیروز بشهادت رسیده است.  
اری اگر تا روز قیامت هم همه ساله برای حضرتش عزاداری کنیم کم  
است همان گونه که امام زمان علیه السلام بیش از هزار و صد و هشتاد  
سال است روزی دوبار برای جدش اشک می ریزد و عزادار حسین است.

## چرا به زیارت کربلا می رویم؟

هر زائری باید بتواند به این سوال پاسخ دهد که چرا دارم کربلا می روم؟

## می توانیم در پاسخ بگوییم:

کربلا می روم تا با حضرت پیمان ببندم که با دوستانش دوست و با دشمنانش دشمن خواهم بود.

و این مطلب اگر به واقعیت پیوندد اثر مهمی در هدایت ادمی خواهد داشت.

اینکه ما در سراسر عمرمان دوست دوستان حسین(ع) و دشمن دشمنان امام حسین(ع) باشیم باعث میشود همیشه در صراط مستقیم باشیم. لذا باید برا تحقق این هدف، دوستان و همچنین دشمنان حضرت را بشناسیم.

دوستان امام حسین(ع)مظلومان عالم و دشمنان امام حسین(ع) مستکبران عالمند. یعنی امریکا و اسرائیل و کشورهای غربی و دولتهای عربی وابسته به امریکا.

**نظام اسلامی حرم است** پس دوستان نظام اسلامی دوستان امام حسین(ع) هستند و دشمنان نظام اسلامی دشمنان حضرت می باشند.

کسی سوال کرد فردی است اهل نماز و سالی ده میلیون حلیم برا امام حسین(ع) می دهد ولی مخالف نظام اسلامی و مخالف رهبر است تکلیف این شخص چیست؟

**گفتم نماز و نذرش باطل است.**

نمیشود ادعای محبت به حسین(ع) داشت بعد با نظام اسلامی که برگرفته از نهضت حسین(ع) است دشمنی ورزید.

دومین نکته در زیارت کربلا این است که خداوند حسین(ع) را کشتی  
نجات و چراغ هدایت قرار داده است.

یعنی با محبت و زیارت حسین(ع) باید ایمانمان افزایش یابد. باید از  
انحراف نجات یابیم. باید توحید ما قوی شود.

و جب صحن حضرت سیّد الشهداء علیها السلام شبها را تا به صبح بیتوته  
کرده‌ام.

و هم از ایشان منقولست که: توسّل به سیّد الشهداء علیها السلام جهت فتح  
باب سالکین إلى الله و کشف حجب تأثیری عجیب دارد و بدون توسّل به  
سیّد الشهداء علیها السلام فتح باب نمی شود

پس اگر دیدید فردی بارها و بارها به کربلا رفته ولی هیچ فرقی نکرده و  
ایمانش افزون نشده و اخلاقش بهتر نگردیده است معلوم میشود  
زیارتش بدون حاصل بوده است.



ولی افرادی هستند با زیارت امام حسین(ع) دچار تحول میشوند و خیلی ادم خوبی می شوند و ایمانشان بسیار زیاد می گردد.

### داستان مردی که به زیارت امام حسین علیه السلام نمی رفت...

شخصی از بزرگان هند به قصد مجاورت کربلای معلّی به این شهر آمد و مدت شش ماه در آنجا ساکن شد و در این مدت داخل حرم مطهر نشده وقت زیارت حضرت امام حسین علیه السلام را اراده می کرد، [?] بود و هر بر بام منزل خود رفته، به آن حضرت سلام می کرد و او را زیارت می نمود؛ تا این که سرگذشت او را به «سید مرتضی» که از بزرگان آن عصر و مرسوم به «نقیب الاشراف» بود رساندند

سید مرتضی به منزل او رفت و در این خصوص او را سرزنش نمود و گفت: «از آداب زیارت در مذهب اهل بیت علیه السلام این است که داخل حرم شوی و عقبه و ضریح را ببوسی. این روشی را که تو داری، برای کسانی است که در شهرهای دور می باشند و دستشان به حرم مطهر نمی رسد»

آن مرد چون این سخن را شنید گفت: «ای نقیب الاشرف» از مال دنیا هر چه بخواهی از من بگیر و مرا از رفتن معذور دار

هنگامی که سید مرتضی سخن او را شنید بسیار ناراحت شد و گفت: «من که برای مال دنیا این سخن را نگفتم؛ بلکه این روش را بدعت و زشت می‌دانم و نهی از منکر واجب است

وقتی آن مرد این سخن را شنید، آه سردی از جگر پر دردمش کشید. سپس از جا برخاست و غسل زیارت کرد و بهترین لباسش را پوشید و پا برهنه و با وقار از خانه خارج شد و با خشوع و خضوع تمام، نالان و گریان . متوجه حرم حسینی گردید تا این که به در صحن مطهر رسید

نخست سجده شکر کرد و عتبه صحن شریف را بوسید. سپس برخاست و لرزان، مانند جوجه گنجشکی که آن را در هوای سرد در آب انداخته باشند، بر خود می‌لرزید و با رنگ و روی زرد، همانند کسی که یک سوم روحش خارج گشته باشد، حرکت می‌کرد تا این که وارد کفش کن شد. دوباره سجده شکر به جا آورد و زمین را بوسید و برخاست و مانند کسی

که در حال احتضار باشد داخل ایوان مقدس گردید و با سختی تمام خود  
را به در رواق رسانید

چون چشمش به قبر مطهر افتاد، نفسی اندوهناک بر آورد و مانند زن  
بچه مرده، ناله جانسوزی کشید. سپس به آوازی دلگداز گفت: «**أَهَذَا**  
**مَصْرَعِ سَيِّدِ الشَّهَدَاءِ؟ أَهَذَا مَقْتَلُ سَيِّدِ الشَّهَدَاءِ؟** ؛ آیا اینجا جای افتادن امام  
حسین علیه السلام است؟ آیا اینجا جای کشته شدن حضرت سیدالشهداء  
است؟»

پس فریاد کشید و نقش زمین شد و جان به جان آفرین تسلیم نمود و به  
شهیدان راه حق پیوست...

چنانچه زیارت اربعین با معرفت انجام شود انسان به ثروت معنوی  
فراوانی دست پیدا کرده است...

سومین نکته درباره توجه به اینکه مصیبت حضرت بزرگترین مصیبت در

اسمانها و زمین است، می باشد

یکی از مهم ترین ویژگی های مصیبت بزرگ کربلا این است که امام حسین بدست کفار و مشرکین بشهادت نرسید. بلکه بدست مسلمانان و شیعه نماها بشهادت رسید. بدست کسانی که او را دعوت کردند تا از او پیروی کنند و با رهبری او علیه یزید قیام کنند، بشهادت رسید

و این برای ازادیخواهان عالم باعث تعجب و شگفتی است. اگر امام بدست مشرکین کشته میشد اصلا جای تعجب نداشت یا بدست مخالفین شهید میشد تعجبی نداشت ولی شهادت حضرت بدست مردمی که صدها نامه برایش نوشتند و او را دعوت کردند و او را به شهر خود خواندند تا کمکش کنند تا یاریش نمایند تا حکومت عدل الهی تشکیل دهند بوده است.

در اینجا سه عامل برای این جنایت بی نظیر تاریخی مردم کوفه ذکر می شود:

یکی از عوامل این جنایت، لقمه حرام است. که امام حسین علیه السلام خود به این مطلب اشاره فرمود

درباره آثار منفی لقمه حرام گفته شده: لقمه حرام انسان را زیر و رو می کند.... لقمه حرام انسان را پیامبر گُش می کند امام گُش می کند.. اگر از غذای نجس و آلوده و حرام استفاده شود، اثر منفی بر معنویات انسان می گذارد . حتی تا هفت نسل اثر لقمه حرام باقی ماند! خیلی مواظب باشیم که ابد لقمه حرام نخوریم

در نهمین فراز دعای امام عصر (عج) چنین می خوانیم: «وطهر بطوننا من الحرام و الشبهه؛ خدایا! اندرون ما را از غذاهای حرام و شبهه ناک پاک کن.»

لقمان در نصیحت به پسرش می گوید: من در راستای طول عمر و سفرهای خود با چهارصد پیامبر (ص) ملاقات کردم، به نصایح و اندرزهای آنها گوش فرا دادم، و از میان آن همه پندهای آنها چهار موعظه را

- گزینش نمودم: 1- هنگامی که در نماز هستی، حضور قلبت را حفظ کن
- 2- هنگامی که در کنار سفره نشستی گلویت را (از مال حرام) حفظ کن
- 3- هنگامی که به خانه دیگری رفتی، چشم خود را (از نگاه به نامحرم)
- حفظ کن 4- و هنگامی که بین انسان ها رفتی، زبانت را حفظ کن.

لقمه حرام نماز را باطل می کند! رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «مَنْ أَكَلَ لُقْمَةً حَرَامًا لَمْ تُقْبَلْ لَهُ صَلَاةٌ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً؛ وَلَمْ تُسْتَجَبْ لَهُ دَعْوَةٌ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا وَ كُلُّ لَحْمٍ يُنْبِتُهُ الْحَرَامُ فَالنَّارُ أُولَى بِهِ» نماز کسی که لقمه اش حرام است تا چهل روز از ارزش چندانی برخوردار نیست؛ و تا چهل روز دعای او مستجاب نمی گردد و هر مقدار از بدن که پرورش یافته لقمه حرام باشد سزاوار آتش و سوختن است

: سنگدلی و قساوت قلب

سنگدلی و قساوت قلب، یکی دیگر از آثار شومی است که بر اثر مال و لقمه حرام، وجود انسان را فرا می گیرد و او را در ورطه شقاوت و بدبختی گرفتار می کند. حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام در کربلا

و در تحلیل جنایات کوفیان بیان فرمودند (فَقَدْ مُلِّتْ بُطُونُكُمْ مِنْ الْحَرَامِ وَ طُبِعَ عَلَى قُلُوبِكُمْ

: ساخت بنای عبادت روی ماسه های روان

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «الْعِبَادَةُ مَعَ أَكْلِ الْحَرَامِ كَالْبِنَاءِ عَلَى الرَّمْلِ» عبادت کسی که حرام خواری می کند مانند ساختمانی است که بر روی شنزاری روان بنا شده باشد

!همه ثوابها، عذاب میشوند

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «مَنْ اكْتَسَبَ مَالًا حَرَامًا لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ مِنْهُ صَدَقَةً وَ لَا عِتْقًا وَ لَا حَجًّا وَ لَا اعْتِمَارًا وَ كَتَبَ اللَّهُ بِعَدَدِ أَجْزَاءِ ذَلِكَ أَوْزَارًا وَ مَا بَقِيَ مِنْهُ بَعْدَ مَوْتِهِ كَانَ زَادَهُ إِلَى النَّارِ» کسی که کسبش حرام است خداوند هیچ کار خیری را از او نمی پذیرد، چه آن کار صدقه باشد چه آزاد کردن بنده؛ حج باشد یا عمره و خداوند متعال به عوض پاداش این کارها، گناه برای او ثبت می کند و آنچه پس از مرگش باقی می ماند توشه دوزخ او خواهد بود

: محرومیت از دوستی امام علی

امیرالمومنین (علیه السلام) می فرمودند: «لَيْسَ بَوْلِيَّ لِي مَنْ أَكَلَ مَالَ مُؤْمِنٍ حَرَامًا» کسی که به حرام، مال مومنی را بخورد هرگز دوستدار من نیست

مراد از مال حرام: مال دزدی. مال ربا. مال رشوه. مال یتیم. خیانت در امانت. غصب و.. حتی کسی که خمس نمی دهد

با اینهمه آثار بد در لقمه حرام متأسفانه بسیاری از شیعیان و عاشقان حسینی به لقمه حرام الوده هستند!

چه افرادی که رشوه‌خوارند! یا افرادی که رباخوارند! افرادی که دزد هستند و از بیت المال اختلاس می کنند! افرادی که کلاهبرداری! بازار ما الوده است چه در بازار خرید و فروش خودرو که ماشینی که هزارتا عیب دارد به عنوان سالم می فروشند. چه در بازار مسکن و املاک. زمینی که مشکل دارند می فروشند. چه در بازار خوراکی ها که هزارتا تقلب دران جریان دارد.

چه در مورد میراث خواری که ارث هم را میخورند! و....



بعد همین ها زیارت کربلا می روند و انتظار دارند در قیامت حضرت از  
انها شفاعت کند!

**دومین عامل در بوجود آوردن مصیبت کربلا: بی عفتی است**

در طول تاریخ افراد بی عفت به بشریت خیلی ضربه زده اند

مثلا یحیی نبی بخاطر بی عفتی پادشاه شهید شد. یکی از عوامل شهادت  
امیر مومنان، بی عفتی قظام معشوقه ابن ملجم بود

حجاج بن یوسف عامل قتل 120 هزار شیعه از مادر بی عفت متولد  
شد. معاویه فرزند هند زنی فاسد بود. ابن زیاد فرزند مرجانه فاسد. شمر از  
مادری فاسد متولد شد. و...

**...حرام زاده ها عامل بشهادت رسیدن اولیاء خدا هستند.**

ولی حلال زاده ها عامل نورانیت جامعه می باشند.

ولی درباره امام حسین می گوئیم

أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَالْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ

شهادت می دهم شما نور در پشت پدران بزرگوار و رحم های پاک  
بودی

**:سومین عامل در بوجود آوردن مصیبت حسینی، ترسو بودن**

ملتی که ترسو باشند. مردمی که بزدل باشند وسیله و ابزار مستکبرین  
میشوند. از حق دور می گردند و به باطل می گروند

الشجاعه زین و الجبن شین

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: خداوند شجاعت را  
دوست دارد حتی اگر بخاطر کشتن یک مار شجاع شده باشد

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرموده: «لا ینبغی للمؤمن أن  
یکون بخيلاً ولا جباناً؛ سزاوار نیست که مؤمن بخیل و ترسو باشد

همچنین آن حضرت فرمود: «اللهم إني أعوذ بك من البخل، و أعوذ بك  
من الجبن، و...»؛ خدایا از بخل و از ترس به تو پناه می برم

امام سجاد علیه السلام فرمود خدا به ما اهل بیت شش چیز داده از جمله  
انها شجاعت هست

امام خمینی در سال 1343، پس از آزادی از زندان، در مسجد اعظم  
فرمودند: واللّٰه من به عمرم، نترسیدم

شجاعت مومنین باعث پیروزی است. باعث عزت است. باعث رضایت  
الهی است. و مردم هم ادمهای شجاع را دوست دارند و انها را تحسین می  
کنند.

شجاعت ان چنان نقش مهمی در پیروزی ها و شکست ها دارد که اگر  
اصحاب امام حسین علیه السلام ترسو بودند، امام را تنها می گذاشتند و  
در امتحان الهی مردود می شدند ولی انها همگی شجاع بودند و تا آخر  
ماندند. از قمر بنی هاشم علیه السلام گرفته تا قاسم سیزده ساله و دیگر  
اصحاب امام حسین علیه السلام

حماسه شجاعت اصحاب امام حسین علیه السلام در تاریخ ماندگار شد.

ولی ترسو بودن مردم کوفه که انها را از لشکر شام ترساندند باعث شد از امام حسین (ع) حمایت نکنند و او را تنها بگذارند بلکه علیه او شمشیر بکشند.

## ذکر مصیبت

از عطیة بن سعد بن جناده کوفی جدلی نقل کرده که گفت: با جابر بن عبدالله به قصد زیارت امام حسین (علیه السلام) حرکت کردیم، چون به کربلا رسیدیم جابر به سوی فرات رفت و غسل کرد، سپس پارچه ای به کمر بست و پارچه ای به دوش انداخت و عطر زد، سپس ذکر گویان به سوی قبر امام (علیه السلام) رفت. وقتی نزدیک قبر شد، گفت: دستم را بگیر و روی قبر بگذار. من دستش را روی قبر گذاشتم. جابر خود را به روی قبر انداخت و آن قدر گریه کرد که بی هوش شد. بر او آب پاشیدم تا به هوش آمد. آن گاه سه بار گفت: ای حسین! سپس گفت: دوست پاسخ دوستش را نمی دهد. بعد ادامه داد: تو چگونه جواب دهی در حالی که رگ های گردنت را بریدند و بین سر و بدنت جدایی انداختند. گواهی می دهم که تو فرزند خاتم پیامبران و پسر سرور مؤمنان و هم پیمان تقوا و از نسل هدایت و پنجمین نفر از اصحاب

کسایی؛ فرزند سرور نقیبان و پسر فاطمه(علیها السلام) سرور زنانی و چرا چنین نباشی که سالار پیامبران با دست خویش غذایت داده و در دامن متقین تربیت شده ای و از سینه ایمان، شیر خورده ای و از دامن اسلام برآمده ای. خوشا به حالت در حیات و ممات. اما دل مؤمنان در فراق تو ناخرسند است و شک ندارد که آن چه بر تو گذشت، خیر بوده است. سلام و خشنودی خدا بر تو باد. شهادت می دهم که تو همان راهی را رفتی که برادرت یحیی بن زکریا پیمود

آن گاه نگاهی به اطراف قبر افکند و گفت: سلام بر شما ای جان های پاک که در آستان حسین(علیه السلام) فرود آمدید. گواهی می دهم که شما نماز را بر پا داشته و زکات پرداختید، امر به معروف و نهی از منکر کردید و با ملحدان جهاد نمودید و خدا را پرستیدید تا آن که مرگ شما را فرا رسید. سوگند به خدایی که محمد(صلی الله علیه وآله) را به حق فرستاد، ما در راهی که رفتید، شریک شما ایم

عطیه گفت: به جابر گفتم: چگونه با آنان شریکیم در حالی که نه [با آنان] دشتی پیمودیم و نه از بلندی و کوه بالا رفتیم و نه شمشیر زدیم،

اما اینان سر از پیکرهای شان جدا شد، فرزندان شان یتیم گشتند و  
همسران شان بیوه شدند؟

جابر گفت: ای عطیه! از حبیبم رسول خدا(صلی الله علیه و آله) شنیدم که  
می فرمود: هر کس گروهی را دوست دارد در عمل آنان شریک است.  
سوگند به آن که محمد(صلی الله علیه و آله) را به حق به پیامبری فرستاد  
نیت من و نیت یارانم همان است که حسین(علیه السلام) و اصحابش  
داشتند. مرا به سوی خانه های کوفیان ببر. چون مقداری راه رفتیم، به  
من گفت: ای عطیه! به تو وصیتی بکنم؟ گمان نکنم پس از این سفر،  
دیگر تو را ببینم. دوست دار خاندان محمد(صلی الله علیه و آله) را دوست  
بدار تا وقتی در دوستی باقی است، دشمن خاندان محمد(صلی الله علیه  
و آله) را تا زمانی که دشمن است، دشمن بدار، هر چند اهل نماز و روزه  
بسیار باشد. با دوست دار آل محمد(علیهم السلام) مدارا کن؛ او هر چند  
به سبب گناهانش بلغزد، اما گام دیگرش با محبت این خاندان ثابت می  
ماند. دوست دار آل محمد(علیهم السلام) به بهشت می رود و دشمنان  
شان به دوزخ.

چهارمین نکته: باید از خود سوال کنیم چرا خداوند اینهمه عظمت برای امام حسین(ع) قائل شده است؟ که برای هیچ کسی اینطور پاداش و تجلیل ننموده است.

در جواب به داستان زیر اشاره می شود:

### امام زمان عج جواب سوال بحرالعلوم را داد

سید بحرالعلوم به قصد تشریف به سامرا تنها به راه افتاد. در بین راه راجع به این مسأله، که چرا گریه بر امام حسین(علیه السلام) گناهان را می آمرزد، فکر می کرد.

همان وقت متوجه شد که شخص عربی سوار بر اسب به او رسید و سلام کرد. بعد پرسید

جناب سید درباره چه چیز به فکر فرو رفته ای؟

اگر مسأله ای علمی است بفرمایید شاید من هم اهل باشم؟! □

سید بحرالعلوم عرض کرد



در این باره فکر می کنم که چطور می شود خدای تعالی این همه ثواب  
به زائرین و گریه کنندگان بر حضرت سید الشهداء علیه السلام می دهد؛

مثلاً در هر قدمی که در راه زیارت بر می دارند، ثواب یک حج و یک  
عمره در نامه عملشان نوشته می شود

و برای یک قطره اشک تمام گناهان صغیره و کبیره شان آمرزیده می  
شود؟! □

آن سوار عرب فرمود: تعجب نکن

من برای شما مثالی می آورم تا مشکل حل شود. سلطانی به همراه  
درباریان خود به شکار می رفت

در شکارگاه از لشگریانش دور شد و به سختی فوق العاده ای افتاد و  
بسیار گرسنه شد

خیمه ای را دید و وارد آن خیمه شد در آن سیاه چادر، پیرزنی را با  
پسرش دید. آنان در گوشه خیمه عنیره ای داشتند (بز شیرده) و از راه  
مصرف شیر این بز، زندگی خود را می گرداندند

وقتی سلطان وارد شد، او را نشناختند؛ ولی به خاطر پذیرایی از مهمان، آن بز را سر بریده و کباب کردند؛ زیرا چیز دیگری برای پذیرایی نداشتند.

سلطان شب را همان جا خوابید و روز بعد، از ایشان جدا شد و به هر طوری که بود خود را به درباریان رسانید و جریان را برای اطرافیان نقل کرد.

در نهایت از ایشان سؤال کرد

اگر من بخواهم پاداش میهمان نوازی پیرزن و فرزندش را داده باشم، چه عملی باید انجام بدهم؟ یکی از حضار گفت

به او صد گوسفند بدهید. دیگری که از وزرا بود، گفت: صد گوسفند و صد اشرفی بدهید. یکی دیگر گفت: فلان مزرعه را به ایشان بدهید.

سلطان گفت

هر چه بدهم کم است؛ زیرا اگر سلطنت و تاج و تخت را هم بدهم آن وقت، مقابله به مثل کرده ام. چون آنها هر چه را که داشتند به من دادند

من هم باید هر چه را که دارم به ایشان بدهم تا سر به سر شود

بعد سوار عرب به سید فرمود

حالا جناب بحرالعلوم، حضرت سیدالشهداء(علیه السلام) هر چه از مال و منال و اهل و عیال و پسر و دختر و خواهر و سر و پیکر داشت همه را در راه خدا داد

پس اگر خداوند به زائرین و گریه کنندگان آن حضرت این همه اجر و ثواب بدهد، نباید تعجب نمود؛ چون خدا که خداییش را نمی تواند به سید الشهداء(علیه السلام) بدهد؛

پس هر کاری که می تواند، آن را انجام می دهد؛ یعنی با صرف نظر از مقامات عالی خود امام حسین(علیه السلام)

به زوار و گریه کنندگان آن حضرت، درجاتی عنایت می کند

در عین حال اینها را جزای کامل برای فداکاری آن حضرت نمی داند. چون شخص عرب این مطالب را فرمود، از نظر سید بحرالعلوم غایب شد.

نتیجه ای که می توانیم از این پاسخ امام زمان(ع) بگیریم این است که هر کسی در راه خدا با مال و جان خود جهاد کند خداوند حتما به او پادشاهی فراوان خواهد داد و چون سیدالشهداء (ع) هرچه داشت چه مال و چه جان خود و فرزندان و برادران و سایر بستگان را در راه خدا فدا کرد لذا خداوند هم بهترین پادشهارا به او عنایت فرموده است.

## جوانی که برای خوردن شام به پیاده روی اربعین رفت...

عده ای می خواستند به پیاده روی اربعین بروند به دوستشان که اهل این چیزها نبود گفتند تو هم بیا. گفت من اهل به پیاده روی اربعین نیستم! گفتند در موکب اولی شام خوبی می دهند بیا شام بخور و برگرد! قبول کرد. وقتی به موکب رسیدند و شام خوردند خواست همان شب برگردد گفتند شب است و تنهایی خطرناک است بمان صبح زود برگرد. ماند. سحر ناگهان همه با فریاد او بلند شدند گفت پاهای خود را جمع کنید امام حسین اینجا بود. دورش جمع شدند. گفت امام حسین با حبیب بن مظاهر اینجا آمد و پتو از روی تک تک شما بر می داشت و به حبیب می گفت اسم اینهم جزو زوار من بنویس. تا به من رسید. من گفتم اقا من جزو زوار شما نیستم من امدم فقط شام بخورم و برگردم! امام نگاهی به من کرد و به حبیب فرمود اسم اینهم جزو زوار من بنویس.

هر سال ترک زیارت امام حسین علیه السلام، یک سال کاهش عمر

امام صادق علیه السلام ☒ ☐

هر که یک سال بر او بگذرد و (بدون دلیل) به زیارت قبر حسین ☐ ☐

(علیه السلام) نرود، خداوند یک سال از عمر او می‌کاهد

و اگر بگویم که یکی از شما سی سال، پیش از اجل خود می‌میرد، راست

گفته‌ام

و این، برای آن است که زیارت امام حسین (علیه السلام) را ترک

می‌کنید.

عن ابي عبدالله: مَنْ أَتَى عَلَيْهِ حَوْلٌ لَمْ يَأْتِ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ [?]   
نَقَصَ اللَّهُ مِنْ عُمرِهِ حَوْلًا، وَ لَوْ قُلْتُ إِنَّ أَحَدَكُمْ يَمُوتُ قَبْلَ أَجَلِهِ بِثَلَاثِينَ   
سَنَةً لَكُنْتُ صَادِقًا؛ وَ ذَلِكَ أَنَّكُمْ تَتْرُكُونَ زِيَارَتَهُ

تهذيب الاحكام، جلد ٦، صفحه ٤٣ □ □

## امام زمان (ع) روضه می خواند

مقدس اردبیلی می فرماید: آمدم کربلا زیارت اربعین بود از بسکه دیدم زائر آمده و شلوغ است ، گفتم : داخل حرم نروم با این طلبه ها مزاحم . زوار از راه دور آمده نشویم

گفتم : همین گوشه صحن می ایستم زیارت می خوانم ، طلبه ها را دور خودم جمع کردم یک وقت گفتم : طلبه ها این آقا طلبه ای که در راه برای ما روضه می خواند کجا است ، گفتند: آقا در بین این جمعیت نمی . دانیم کجا رفته است

در این اثناء دیدم یک عربی مردم را می شکافت و بطرف من آمد و صدا زد ملا احمد مقدس اردبیلی می خواهی چه کنی ؟ گفتم می خواهم . زیارت اربعین بخوانم ، فرمود: بلندتر بخوان من هم گوش کنم

زیارت را بلندتر خواندم یکی دو جا توجه ام را به نکاتی ادبی داد وقتی که زیارت تمام شد به طلبه ها، گفتم : این آقا طلبه پیدایش نشد؟ گفتند:



آقا نمی دانیم کجا رفته است یک وقت این عرب بمن فرمود مقدس  
اردبیلی چه می خواهی ، گفتم : یکی از این طلبه ها در راه برای ما گاهی  
روضه می خواند، نمی دانم کجا رفته ، می خواستم اینجا بیاید و برای ما  
روضه بخواند

آقای عرب بمن فرمود مقدس اردبیلی می خواهی من برایت روضه  
بخوانم ؟ گفتم : آری آیا به روضه خواندن واردی ؟ فرمود: آری که در  
این اثناء دیدم عرب رویش را به طرف ضریح اباعبدالله الحسین (ع)  
کرد و از همان طرز نگاه کردن ما را منقلب کرد یکوقت صدا زد یا  
اباعبدالله نه من و نه این مقدس اردبیلی و نه این طلبه ها هیچ کدام  
یادمان نمی رود از آن ساعتی که می خواستی از خواهرت زینب  
(علیهاالسلام) جدا شوی

بعد غایب شد

در این هنگام دیدم کسی نیست فهمیدم این عرب که روضه خواند خود  
حضرت صاحب (ع) بود...